



توحید معصومی در گفت و گو با «صبا»:

## «مگس» حرف گذشته‌های نمی‌زند

دلرام صادقی  
گفت و گو

«مگس» نمایشی است در روزگار جنگ جهانی دوم در کشور مجارستان که داستان خانواده‌ای را روایت می‌کند که با آمدن سرگرد پسرشان، زندگی‌شان دچار تغییر و تحول می‌شود. نمایشنامه اصلی را اشتیوان ارکنی با نام «خانواده تَت» نگاشته است. این نمایش با کارگردانی توحید معصومی و دراماتورژی ایوب آقاخانی و توحید معصومی در تیر و مرداد در سالن سایه به اجرا می‌رود. بازیگران این نمایش را ایوب آقاخانی، سامان دارابی، مرضیه صدراپی و الهه زحمتی تشکیل می‌دهند. در این شماره از روزنامه «صبا» با توحید معصومی گفت و گویی داشتیم که می‌خوانید.

**شخصیت یا موضوعی که در نمایشنامه «خانواده تَت» شما را جذب کرد تا از آن اقتباس کنید و به اجرا در آورید چه بوده است؟**

موقعیت داستان و همه اعضای خانواده تَت برایم جذاب بود، شرایطی که دارند و شرایطی که با ورود کاراکتر سرگرد به آن‌ها تحمیل می‌شود و نوع برخورد و رفتار خانواده به وضعیت. پیش‌برنده درام، سرگرد است و اوست که شرایط را به هم می‌زند و خانواده تَت را به شرایط ویژه‌ای می‌رساند.

**آخرین اجرایی که شما در مقام کارگردان در آن حضور داشتید نمایش «تبار خون» و درامی اجتماعی بود ولی در نمایش «مگس» سراغ یک نمایشنامه تاریخی و مجارستانی رفتید، دلیل انتخاب و تغییر مسیرتان چه بوده است؟**

با توجه به ضائقه امروز تماشاگر به دنبال متنی بودم که هم بتواند امر جدی را به مخاطب منتقل کند و هم به لحاظ جذابیت، مولفه‌های لازم را داشته باشد و تماشاگر را جذب کند. متن این نمایشنامه را سال‌های قبل خوانده بودم و با یک بازنویسی مجددی که انجام دادم تصمیم گرفتیم که این نمایشنامه را کار کنیم و آقای ایوب آقاخانی هم به لحاظ دراماتورژی کمک‌مان کرد تا رسید به این متنی که الان در حال اجراست. به لحاظ مضمون هم حرف‌گنده‌ای نمی‌زند ولی یک مسئله روز را با زبان طنز به مخاطب منتقل می‌کند که این موضوع برای خودم جذاب و قابل اهمیت بود.

**شما گفتید که «مگس» مسئله روز را عنوان می‌کند. مسئله‌ای که جامعه با آن سر و کار دارد و «مگس» عنوان می‌کند، چیست؟**

قدرت‌طلبی، جنگ‌افروزی و تبعات تلخی که بار می‌آورد امروزه روز همچنان گریبانگیر جامعه بشری است. با این همه در یک قالب کوچک، یک سازمان، یک کارخانه، یا حتی یک خانواده را در نظر بگیرید. در چنین جوامعی تصور کنید اگر مردی یا مقامی که قدرت دارد دچار خودکامگی بشود و بخواهد تمامی عقده‌های فروخورده خودش را سر کارکنان، کارگران و یا اعضای خانواده‌اش خالی کند چه فاجعه‌ای به بار خواهد آورد؟

**در روند نمایش شاهد یک مکان هستیم. در نمایشنامه اصلی مانند «مگس» هم داستان در یک مکان رخ می‌دهد؟**

نمایشنامه اصلی دارای چند مکان هست اما رویداد اصلی در خانه «خانواده تَت» اتفاق می‌افتد. ما با حذف صحنه‌هایی که در مکان‌هایی غیر از خانه روی می‌داد وقوع داستان و اتفاقات را در منزل آقای «تَت» متمرکز کردیم.

**در نمایش شاهد یک کاراکتر (سرگرد) حساس با رفتارهایی عجیب و غریب بودیم، شما نگران این مسئله نبودید که ممکن است مخاطب کاراکتر را درک نکند؟**

کاراکتر سرگرد به دلیل صدماتی که در خط مقدم جبهه خورده کمی نامتعادل است. البته نمی‌شود گفت عجیب و غریب، به هر حال هر آدمی در زندگی یک‌سری نقاط قوت و یک‌سری نقاط ضعف دارد. در برخی‌ها کفه نقاط ضعف و وسواس‌ها سنگین‌تر است و سبب می‌شود در انظار عمومی از خودشان رفتارهای نامتعرفی نشان بدهند. اتفاقاً دغدغه نمایش «مگس» همین است، این‌که آدمی با آسیب‌هایی که در جنگ خورده با رفتار نامتعادلش می‌آید و زندگی آرام و بانشاط روستایی یک خانواده

را تبدیل به جهنم می‌کند. این اتفاق و بر هم خوردن تدریجی آرامش این خانواده و به قول شما شاید عجیب بودن بعضی رفتارها به نظر من بیشتر سبب جذابیت و درگیری مخاطب با اثر می‌شود. حتی اگر ناملموس جلوه کند.

**اسم نمایشنامه اصلی «خانواده تَت» است اما شما آن را به «مگس» تغییر داده‌اید. چرا؟**

ساختار متن نسبت به متن اصلی خیلی تغییر کرده و حذفیات زیادی به لحاظ تعدد صحنه‌ها و کاراکترها دارد که ما در «مگس» آن را به چهار کاراکتر تغییر دادیم و به لحاظ ساختار در روند قصه هم تغییراتی پیش آمد، بنابراین با پیشنهاد آقای آقاخانی صلاح دیدیم اسم نمایش را با توجه به تناسبی که با قصه دارد تغییر دهیم.

**در رزومه کاری‌تان ژانرهای متعددی را تجربه کرده‌اید این بار به سراغ ژانر گروتسک و یا طنز سیاه رفته‌اید، تجربه در این ژانر برای شما چطور بود؟**

دنبال فضایی بودم که هم برای خودم چالشی باشد و این‌که بتوانم برخورد مخاطب با این ویژگی را ببینم. با توجه به بازخوردهایی که در این چند اجرا از مخاطب گرفتم فکر می‌کنم توانستیم حق مطلب را ادا کنیم، از طرفی هم فضای گروتسک را دوست داشتیم و همیشه به دنبال متنی بودم که این فضا را تجربه کنیم و احساس کردیم که نمایشنامه «خانواده تَت» این ویژگی را دارد.

**با توجه به این چند روزی که اجرا داشته‌اید باز خورد مخاطبان چطور بوده است؟**

در این شش روزی که اجرا داشته‌ایم استقبال خوبی داشته‌ایم و روزبه‌روز تعداد تماشاگرانمان بیشتر می‌شود.

**با توجه به این‌که سال‌هاست کار نمایش انجام می‌دهید، به نظرتان اوضاع تئاتر و استقبال مخاطبان، رشد صعودی داشته است یا خیر؟**

با افزایش سالن‌ها و گسترش تئاتر خصوصی به نظر می‌رسد که باید بر تعداد مخاطبان افزوده بشود و حال تئاتر خوب باشد، ولی واقعیت این است که با خصوصی شدن تئاتر و روی آوردن گروه‌ها به استفاده از چهره‌های سینمایی و تلویزیونی، مناسبانه فقط مخاطبان علاقه‌مند به سلبریتی‌ها را افزایش داده‌ایم نه مخاطبان تئاتر. بنابراین با توجه به اوضاع اقتصادی ناآرام این روزها، بیشتر سالن‌هایی که تئاتر به روی صحنه برده‌اند با کمبود مخاطب مواجهند. فعلاً سرنوشت تئاتر را در کشور نمی‌توان به روشنی و صراحت پیش‌بینی کرد، ولی ما همیشه با امید به روزهای خوب آینده بزرگ شده‌ایم و هنوز امیدواریم.

**در تهران و شهرهای دیگر مثل اردبیل کار اجرا کرده‌اید، تجربه کار در تهران با شهر و یا شهرستان‌های دیگر چه تفاوتی دارد؟**

طبیعتاً تهران به لحاظ امکانات و شرایطی که برای نوع اجرا پیش می‌آید و در اختیار کارگردان است با کار در شهرستان فاصله بسیاری دارد، هر چند کار کردن هم سخت است. کار در شهرستان برای من راحت‌تر است ولی در تهران شرایط مهیاتر است و کارگردان با دست‌باز می‌تواند هر آنچه می‌خواهد فراهم کند. لازم می‌دانم اینجا از حمایت تهیه‌کنندگان کار آقایان میرحسین شفیعی و مهدی اکبرزاده تشکر کنم که واقعا حامی ما بودند و هر آنچه من و تیم بازیگری و طراحان خواستیم فراهم کردند که بتوانیم در حد رضایت خودمان به این نمایش برسیم.